

مسلمانان رومانی در عصر حاکمیت کمونیست‌ها (۱۹۴۵ - ۱۹۸۹م)

میهای چرنا تسکو*؛ فاطمه جان احمدی^۲؛ صادق آئینه‌وند^۳

^۱ دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس؛ ^۲ دانشیار دانشگاه الزهراء (س)؛ ^۳ استاد دانشگاه تربیت مدرس
(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۹/۱۶ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۱۱/۰۳)

چکیده

کشور رومانی در سال ۱۹۴۴م به اشغال ارتش سرخ شوروی درآمد و تا سال ۱۹۵۸م ادامه یافت. در این مدت شوروی با مداخله در امور رومانی موفق شد زمینه‌های شکل‌گیری و تسلط دولت کمونیستی را بر رومانی فراهم آورد. از این پس به مدت چهل سال و اندی از ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۹م دولت کمونیستی بر رومانی فرمان راند. ضدیت دولت کمونیستی با ادیان و مذاهب مختلف موجب شد تا در طی این دوره علاوه بر دشواری معیشت اقلیت مسلمان، اکثریت مسیحی نیز در سختی بسر برند. عمده فشارهای سیاسی دولت کمونیست بر اقلیت مسلمان و اکثریت مسیحی برای ترک مذهب و یا واگذاشتن مناسک دینی آنها بود. در این مقاله کوشش شده است تا به بررسی تأثیرات حاصل از سلطه حکومت کمونیستی در رومانی بر جامعه مسلمان رومانی بپردازد و اینکه مسلمانان رومانی چگونه توانستند در این دوره هویت خود را حفظ کنند. روش تحقیق در این مقاله توصیفی و متکی بر تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده است.

کلیدواژه‌ها: اسلام، مسلمانان رومانی، دابروجا، دولت کمونیست.

مقدمه

در کشور رومانی، حزب کمونیست^۱ در ۱۹۲۱ میلادی تاسیس شد، اما نقشی در حکومت این کشور نداشت. پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵م) با اشغال این کشور از سوی اتحاد جماهیر شوروی، حکومت تحت فشار زیادی قرار گرفت تا به

*. نویسنده مسئول؛ نشانی الکترونیکی: arhivairan@yahoo.com.

۱. برای اطلاع بیشتر نک: Scurtu, Ioan, P. 32.

نظام‌های کمونیستی بپیوند، از این رو کمونیست‌های رومانی به سرعت در هرم قدرت قرار گرفتند. با توجه به ایدئولوژی و سیاست‌های ضددینی حکومت کمونیستی در رومانی روشن است که پیروان ادیان مختلف اعم از اکثریت مسیحی و اقلیت مسلمان و یهودیزندگی دشواری را در این کشور گذرانده‌اند. در این برهه سیاست دولت‌های کمونیستی در جهت دین زدایی جامعه رومانی و دور کردن دین باوران از تمایلات مذهبی و نیز ممانعت از عمل به شعائر و مناسک دینی و برپایی آداب و رسوم مذهبی بود. در این میان تلاش برای ادغام اقلیت‌های قومی و مذهبی با اکثریت رومان‌ها در الویت برنامه کمونیست‌ها قرار داشت تا بدین وسیله از تکثر دینی و قومی حتی‌المقدور کاسته شود و جامعه کمونیستی به سوی جامعه بی طبقه نزدیک شود. بر این اساس بیشترین فشار سیاسی و فرهنگی حکومت بر منطقه مسلمان نشین رومانی به نام دابروجا^۱ - در جنوب شرقی رومانی و متصل به دریای سیاه - اعمال شد تا سیاست ادغام و حذف مسلمانان ترک‌نژاد سریع‌تر تحقق یابد. البته به نظر می‌رسد هدف اصلی این سیاست سختگیرانه بیشتر قشر فرهیخته و رهبران فکری و مذهبی دابروجا بود و عامه مردم کمتر در معرض مستقیم فشارهای سیاسی و فرهنگی دولت کمونیست قرار داشتند. با این همه از بررسی منابع می‌توان دریافت این فشارها و سخت‌گیرها تنها بر ظواهر زندگی مسلمانان تاثیر گذاشت و آنها را از عرصه‌های عمومی مانند مساجد به کانون‌های مخفی و مراکز خصوصی چون خانه‌ها سوق دهد. مسلمانان رومانی توانستند با حفظ آداب و رسوم دینی خود به صورت پنهان و گرامیداشت مظاهر و موارد دینی به صورت شخصی و خانوادگی و آموزش‌های فردی هویت اسلامی خود را پاس دارند.

این پژوهش در صدد بررسی وضع اقلیت مسلمان رومانی در دوره حکومت کمونیست‌ها از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۹م و نیز واکنش آنان در قبال سیاست‌های دولت‌های کمونیستی است. برای درک بهتر تغییرات صورت گرفته در جامعه رومانی، وضع مسلمانان در دوره ۴۵ ساله دولت کمونیستی در سه مقطع زیر پیگیری خواهد شد:

۱. مسلمانان رومانی در دوره سلطه اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۴۵-۱۹۵۸م) ۲. مسلمانان رومانی در عصر استقلال (۱۹۷۴-۱۹۵۸م) ۳. مسلمانان رومانی در دوره چاوشسکو (۱۹۷۴-۱۹۸۹م).

۱. Dabruja؛ برای اطلاع اجمالی از موقعیت جغرافیایی دابروجا و نیز وضع اقلیت مسلمانان رومانی از زمان استقلال از دولت عثمانی تا امروز نک: چرناتسکو، ۱۵۷-۱۷۶.

نگاهی به وضع مسلمانان رومانی قبل از حکومت کمونیستی

از قرن یازدهم میلادی به بعد گروه‌هایی از مهاجران مسلمان از شمال و جنوب دریای سیاه به رومانی راه یافتند. بسیاری از این مهاجران در دابروجا، شرقی‌ترین بخش رومانی ساکن شدند. از اوائل قرن پانزدهم میلادی تا واپسین سال‌های قرن نوزدهم (۱۸۷۷م) این منطقه تحت سیطره و نفوذ کامل دولت عثمانی بود.^۱ با عقب نشینی عثمانیان از دابروجا مسلمانان ساکن در این منطقه‌ها جنگ جهانی دوم زیر حکومت پادشاهی رومانی قرار گرفتند. حکومت پادشاهی رومانی توجه شایسته‌ای به اقلیت مسلمان داشت و در قانون اساسی رومانی بخش قابل ملاحظه‌ای به رعایت حقوق مسلمانان و سایر اقلیت‌های دینی اختصاص یافته بود.^۲ ورود نمایندگان مسلمان به مجلس ملی رومانی، تخصیص بودجه و پرداخت به هنگام هزینه‌های نهادهای مذهبی مانند مساجد و مراکز آموزشی وابسته به آنها و همچنین حمایت از نشریات فرهنگی و احترام به آداب و سنن دینی و اعطای آزادی عمل در فعالیت‌های آموزشی مسلمانان که عمدتاً بر محور قرآن و شریعت بود؛ همگی نشان از موضع مثبت دولت پادشاهی رومانی نسبت به مسلمانان و به دنبال آن خشنودی مسلمانان دابروجا از حکومت داشت.^۳

بنا بر گزارش‌های موجود در منابع^۴ در این دوره طولانی همزیستیمسالمت آمیز میان اقلیت مسلمان و اکثریت مسیحی برقرار بود. برگزاری آیین‌ها و رسوم مشترک ملی و همجواری کلیسا و مسجد در شهر و روستا احترام دوطرف به عقاید و افکار و آداب و سنن مذهبی یکدیگر بهترین دلیل برای این سخن است. در دابروجا که بیشترین شمار مسلمانان رومانی در آن ساکن بودند این حسن تعامل آشکار بود. رعایت قوانین حکومتیاز سوی مسلمانان، تبعیت ایشان از نظام آموزشی کلان کشور و شرکت آنها در جنگ‌های ملی و وطن دوستانه بویژه در جنگ جهانی اول و دوم، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و حضور فعال در مجلس قانونگذاری، همگی گویای رضایت‌مندی ایشان از دولت پادشاهی رومانی بود.

اتحاد رومانی با آلمان و مشارکت فعال ارتش رومانی برای حمله به روسیه در بحبویه جنگ جهانی دوم فصل جدیدی در تاریخ این کشور گشود. شکست رومانی موجبات حضور ارتش سرخ شوروی را در این کشور فراهم آورد و از این پس رومانی زیر سلطه

1. Ekrem, Mehmet Ali, 72.

2. ibid, 110-111.

3. ibid, 119.

4. Vide: ibid, 205.

حزب و دولت کمونیست قرار گرفت.

مسلمانان رومانی در دوره سلطه شوروی (۱۹۴۵-۱۹۵۸م)

حزب کمونیست تا سال ۱۹۴۵م نقش مهم و تعیین کننده‌ای در سیاست کشور رومانی نداشت، اما با پشتیبانی و حمایت همه‌جانبه از سوی ارتش سرخ شوروی شروع به نقش آفرینی کرد. در ماه مارس ۱۹۴۵م پادشاه میهای با فشار ارتش شوروی مجبور شد تا یکی از اعضای حزب کمونیست به نام پترو گرازا^۱ را برای سمت نخست وزیری انتخاب کند.^۲ پادشاه می کوشید تا از دخالت کمونیست‌ها در امور کشور جلوگیری کند، اما کمونیست‌ها که از سوی ارتش شوروی حمایت همه‌جانبه می‌شدند اهمیتی به فرامین پادشاه نمی‌دادند و بدون موافقت و امضای پادشاه قوانین و مقررات مورد نظر خود را به اجرا می‌گذاشتند.

اولین انتخابات مجلس رومانی بعد از جنگ جهانی دوم در نوزدهم نوامبر ۱۹۴۶م برگزار شد. در این انتخابات که کمونیست‌ها برگزار کننده آن بودند و کشور در عمل توسط ارتش شوروی هدایت می‌شد، کمونیست‌ها هشتاد درصد از آرای مردم را به دست آوردند.^۳ اعتراض پادشاه و دیگر احزاب به این انتخابات هیچ سودی نبخشید و دولت به طور کامل به دست کمونیست‌ها افتاد. در روز سی‌ام دسامبر ۱۹۴۷م پادشاه میهای ناگزیر به امضای استعفا و خروج از کشور شد.^۴ چندی نگذشت که در بهار سال بعد در رومانی جمهوری اعلام شد و قانون اساسی به نام جمهوری مردمی رومانی نوشته شد. بدنبال اقتدار حزب کمونیست فعالیت احزابی که از ایدئولوژی کمونیستی تبعیت نمی‌کردند، ممنوع اعلام گردید.

در این زمان همه ارکان کشور رومانی از هر حیث به اشغال اتحاد جماهیر شوروی درآمده بود. مشاوران و کارگزاران شوروی در همه سازمان‌ها و ادارات رومانی فعال بودند. شرکت‌های روسی در همه زمینه‌های اقتصادی فعالیت می‌کردند و ثروت ملی رومانی را در جهت منافع شورویبه کار گرفته بودند. در سال ۱۹۴۸م همه اموال خصوصی به مالکیت دولت درآمد^۵ و به تبع سیاست اقتصادی دولت کمونیستی، زمین‌های

1. Petru Groza.

2. Scurtu, Ioan, 102.

3. ibid, 110.

4. ibid, 112.

5. ibid, 121.

کشاورزی از مالکیت خصوصی خارج شد و در قالب شرکت‌های تعاونی درآمد. کشاورزانی که زمین خود را از دست داده بودند به شهرها کوچیدند و بخش کشاورزی به شدت آسیب دید.^۱

در حوزه فرهنگی نیز دولت کمونیست به سرعت وارد عمل شد و مراکز علمی و آموزشی کشور را تحت نظارت شدید دولت قرار گرفت. تدریس به هر زبانی غیر از رومانیایی ممنوع شد.^۲ در مدارس نظام آموزشی لائیک حاکم شد و بنا به آموزه‌های کمونیستی، دین مانع پیشرفت جوامع معرفی شد. هر چند در سایه این سیاست خانواده‌های فقیر و کم درآمد به ظاهر از مزایای مادی بهره‌مند شدند و در ساختار اداری به مناصب دست یافتند، اما نخبگان فرهنگی جامعه رومانی پیش از دوره کمونیستی صدمه بسیاری وارد شد و نقش اجتماعی خود را از دست دادند.

یکی از برنامه‌های فرهنگی دولت کمونیستی که بر تغییر هویت دینی مردم رومانی تأثیرگذار بود، «فرد جدید» نام داشت.^۳ این برنامه که در همان اوایل سلطه کمونیست‌ها بر رومانی اجرا شد تغییر هویت دینی شهروندان رومانی اعم از مسیحی و مسلمان را هدف گرفته بود. هدف از این برنامه تربیت شهروند بی‌دین و طرفدار شوروی بود.

در مدارس سراسر کشور کتاب‌های درسی جدید و یکسان آموزش داده می‌شد. تحصیل در یک دوره چهار ساله در مدارس اجباری اعلام شد. از سال چهارم به بعد، در همه مدارس آموختن زبان روسی الزامی گردید. در حوزه علوم انسانی بیشترین تأکید بر علوم اجتماعی بود و هنر مورد غفلت قرار گرفت و مباحث دینی بکلی از نظام آموزشی کشور حذف شد. به دنبال اعمال سیاست‌های فرهنگی دولت کمونیستی بیشتر نشریه‌ها توقیف شد؛ به ویژه آن دسته از نشریاتی که بروحیه وطن پرستی و هویت ملی رومانیایی تأکید می‌ورزید.^۴

وقوع جنگ جهانی دوم و تغییر دولت پادشاهی به دولت کمونیستی تأثیر چشمگیری بر زندگی مذهبی مردم رومانی داشت. از آنجا که دولت پادشاهی خود به نیازهای مذهبی مردم توجه می‌کرد، اما دولت کمونیستی سرلوحه کار فرهنگی خود را «سیاست دین‌زدایی» قرار داده بود. این سیاست موجب انزوای گروه‌های دینی و مذهبی

1. ibid, 130.

۲. پیش از این در دابروجا، در کنار زبان رومانیایی، تدریس به زبان ترکی معمول بود.

3. ibid, 112.

4. ibid, 122 – 127, 127, 128.

از جمله مسلمانان را در رومانی فراهم آورد، حال آنکه بر اساس قانون اساسی پیروان مذاهبی که به رسمیت شناخته شده بودند در برگزاری مراسم دینی خود آزاد بودند.^۱ یکی از سران حزب کمونیست و وزیر وقت کشور رومانی به نام آلکساندرو دراگیچ^۲ در سخنرانی سوم دسامبر ۱۹۵۷م به صراحت اعلام کرد: آیا رهبران کلیسا نبودند که همیشه مانع پیشرفت ملت‌ها عمل بودند؟ چرا ضد انقلاب‌ها به این گستردگی از ابزار مذهب استفاده می‌کنند در حالی که دولت ما ضد مذهب نیست؟ دولت مردمی و دموکرات ما از مردم انتظار دارد همراه با پیشرفت فرهنگی و بالا رفتن سطح آگاهی، معنای این کلام مارکس را که «مذهب افیون ملت‌هاست» دریابند. مردم خود باید این نکته را درک کنند.^۳

در قانون اساسی ۱۹۴۸م دولت کمونیست چهارده دین و فرقه به رسمیت شناختند که از جمله آنها دین اسلام بود.^۴ اگرچه به نظر می‌رسد دولت کمونیستی در زندگی مذهبی مردمان عادی دخالت مستقیم نمی‌کرد، اما همچنان علمای مذاهب و فرق مختلف که با اندیشه لائیک کمونیست‌ها مخالف بودند، در تنگنا قرار می‌داد و آنان را از مناصب حکومتی محروم می‌کرد. این سیاست دو هدف را دنبال می‌کرد؛ از یک سو رهبران دینی را به انزوا می‌کشاند و میان آنان و عامه مردم جدایی می‌انداخت و از سوی دیگر با تقویت جناح طرفدار کمونیست بر نفوذ خود در میان لایه‌های پایین جامعه می‌افزود.

سیاست‌های ضد دینی دولت کمونیستی منحصر به پایتخت رومانی نبود و مناطق مسلمان‌نشین رومانی نیز از این وضع مستثنا نبودند. با تشدید سیاست‌های ضد دینی دولت و احزاب کمونیست واکنش منفی مسلمانان نیز افزایش یافت. مسلمانان در انتخابات سال ۱۹۴۶م به احزاب کمونیستی رأی ندادند. حتی اعضای رسمی مسلمان این احزاب رای خود را به حزب‌های دموکراتیک سنتی دادند.^۵ در گزارش فعالیت کمیته حزب کمونیست منطقه کانستانزا^۶ - جنوب دابروجا در ساحل دریای سیاه - در نوامبر ۱۹۴۷م که نشان از مقاومت منفی مسلمانان و نپذیرفتن دولت و احزاب کمونیستی دارد

1. ibid, 117 – 118.

2. Alexandru Drăghici

3. Neagoe, Elisabeta; Pleș a, Liviu, P. 60.

4. Scurtu, P. 117 – 121.

5. Ibid, 58.

6. Constantin a

چنین آمده است: «با وجود اینکه اکثر مسلمانان فقیر هستند، نتوانستیم آنها را برای پذیرش کمونیسم متقاعد کنیم. بخشی از آنها تحت تاثیر روشنفکران یا علمای دینی هستند؛ آنان شبکه‌های رادیویی آنکارا و لندن را گوش می‌کنند و با تفکر ما مخالف هستند. تعداد دیگری از آنها دیدگاه‌های سیاسی ندارند و گروهی هم در حزب ما یا حزب جبهه شخم زنان (از احزاب کمونیست) عضو هستند. مسلمانان به سختی اندیشه ما را می‌پذیرند، زیرا سطح فرهنگی ایشان پایین است و به راحتی شایعات را قبول می‌کنند»^۱.

علاوه بر مقاومت منفی مسلمانان دابروجا برخی از آنان بر ضد دولت رومانی فعالیت می‌کردند. برای نمونه در ماه مارس ۱۹۵۳م گروهی از شهروندان مسلمان (چهارده تاتار و یک رومانیایی) از سوی پلیس دستگیر شدند. آنها به اتهاماتی سنگین از جمله تبلیغ برای آزاد کردن کریمه و ایجاد دولت مستقل تاتار، جمع کردن پول و مواد غذایی برای تاتارهای فراری از شوروی و کمک به آنها، همکاری با ارتش آلمان در جنگ جهانی دوم، جاسوسی به نفع ترکیه و انگلستان از طریق کنسولگری ترکیه در کانستازا، محکوم به زندان‌های دراز مدت شدند. یکی از این مبارزان خانم سلطان فاضل بود که به هشت سال زندان محکوم شد. وی همسر نجیب حاجی فاضل از مسلمانان برجسته و عالم رومانی و فارغ التحصیل حوزه علمیه مدجیدیه (مجیدیه) و دانشکده اقتصاد بخارست، شاعر، نویسنده و از همکاران مجله ترک - تاتار دابروجا به نام امل^۲ بود. این مجله را برادر وی مستجیب اولکوسل^۳ تأسیس کرده بود. زمانی که سازمان اطلاعات ارتش سرخ شوروی به قتل تاتارهای کریمه‌ای فراری اقدام می‌کرد، نجیب حاجی فاضل^۴ تاتارهای فراری را پناه می‌داد. ماموران شوروی را در تاریخ پانزدهم اکتبر ۱۹۴۸م دستگیر کردند. یک هفته بعد جسد وی با آثار شکنجه، در نهری کنار قبرستان مسلمانان در کانستازا پیدا شد. وی در این زمان چهل و دو سال داشت و یکی از شاعران بنام تاتار رومانی بود. در دهه پنجم قرن بیستم که دولت کمونیست رومانی بر تمام کشور مسلط شده بود و فشارهای سیاسی و کشتار و سرکوب و شکنجه مخالفان بالا گرفته بود در ظاهر نشانه‌ای از اعتراضات مسلمانان رومانی دیده نمی‌شد.

در این دوره دین اسلام و زبان ترکی به عنوان پایه‌ها و ارکان اصلی هویت مسلمانان

1. Ibid, 58.

2. Emel

3. Mustegip Ulkusal

4. Negip Hagi Fazal

کشور رومانی، به شدت آسیب دید. ممنوعیت تدریس در مدارس به زبان ترکی، زبانی که نماد فرهنگ اسلامی برای مسلمانان رومانی بود، از سال ۱۹۴۸م ضربه غیرقابل جبرانی را بر پیکر جامعه مسلمان رومانی فرود آورد. همه نشریه‌های ترک زبان تعطیل شدند و تبلیغ دین غیر قانونی اعلام گردید. حکومت کمونیست برای حفظ هویت ملی و تقویت نظام لائیک کوشید اقلیت مسلمان ترک تبار را در اکثریت رومانیایی‌ها ادغام نماید. در چنین شرایطی مسلمانان برای حفظ هویت اسلامی خود به حوزه علمیه مدجیدیه^۱ (مرکز تربیت علمای دینی در رومانی) پناه بردند. این حوزه علمیه تنها جایی بود که اصول اعتقادی و شریعت، زبان عربی و زبان ترکی در آن تدریس می‌شد، اما نبود امکانات مناسب و وضع بد مالی این حوزه موجب شد تا خانه‌های مسلمانان دابروجا جایگزین مناسبی برای آموزش‌های فردی و جمعی و نیز برپایی مناسک عبادی شود.^۲

مسلمانان رومانی در دوره استقلال (۱۹۷۴-۱۹۵۸م)

خروج نظامیان شوروی از رومانی در سال ۱۹۵۸م سرآغاز دوران جدیدی برای این کشور بود. همزمان با خروج نظامیان، مستشاران شوروی هم خاک رومانی را ترک کردند و کشور در مسیر استقلال قرار گرفت. به تدریج رومانی رابطه خود با شوروی را محدود کرد و روابط با کشورهای غربی و اسلامی را گسترش داد. در ماه آوریل ۱۹۶۴م دولت رومانی طبق بیانیه‌ای عمومی، استقلال کشور را اعلام کرد و به صراحت اعلام کرد: «تنها به ملت رومانی جوابگو است».^۳ کشورهای غیر کمونیستی، از استقلال رومانی استقبال کردند و این کشور در صحنه بین‌المللی، رومانی از موقعیت بهتری برخوردار شد. دولت کمونیستی در امور مختلف داخلی رومانی تغییرات بسیاری را اعمال کرد. در مهمترین گام کتاب‌های درسی جدید تالیف شد که ضمن تقویت هویت فرهنگی و وطن‌پرستی بر قهرمانان ملی تأکید بسیاری داشت. در این دوره تاریخ‌نگاری چهره واقع‌بینانه به خود گرفت.^۴ زندانیان سیاسی که به دست روس‌ها به زندان افتاده بودند، به تدریج آزاد شدند و برخی از آنان به فعالیت در دانشگاه‌ها و مناصب دولتی دست یافتند

1. Medgidia

۲. مصاحبه با آقای غفار اکرم، استاد تاریخ در شهر مدجیدیا، ۸ جولای ۲۰۱۱م.

3. Scurtu, P. 146.

4. ibid., P. 145.

و به جبران صدمات گذشته خود؛ غرامت دریافت کردند.^۱ توسعه رومانی در این دوره، قبض و بسط داشت. دولت با پرداخت هزینه‌های هنگفت ضمن تقویت ساختار آموزشی به نحو چشمگیری فرهنگ رومانی را اعتلا بخشید. در پی این سیاست دانشگاه‌های جدیدی ساخته شد که تحصیل در آنها رایگان بود. دوره آموزشی رایگان از چهار سال به ده سال تغییر یافت. آثاری که در دوره پیش سانسور شده بودند، در این دوره به وسیله دولت چاپ شدند. رومانی جایگاه خود را در المپیادهای علمی و رشته‌های ورزشی بازیافت. با گشوده شدن دروازه‌های اروپایی، موسیقی و فیلم‌های غربی در رومانی رواج یافتند.^۲ امید به زندگی در میان مردم افزایش یافت و امکانات تفریحی گسترده‌تر شد. در این میان نظام بیمه رایگان و با کیفیت برای آسودگی شهروندان رومانی راه اندازی شد و بیمارستان‌های مجهز در سراسر کشور ساخته شد.

تعاونی‌های کشاورزی که بعد از جنگ جهانی به وسیله رژیم کمونیست تأسیس شده بودند، امکانات پیشرفته‌ای نداشتند و رو به ورشکستگی گذاشتند. در این دوره حکومت توجه بیشتری به کشاورزی مبذول داشت. به تدریج تمام تعاونی‌ها از ماشین‌آلات کشاورزی برخوردار شدند و در بیشتر زمین‌ها نظام آبیاری راه‌اندازی شد. در صنعت کشاورزی به کمک روش‌های علمی نتایج چشمگیری حاصل شد. تولیدات دامداری با اصلاح نژاد همراه بود.^۳ با وجود این مهاجرت از روستا به شهر ادامه داشت. فرهنگ روستایی با زندگی جدید شهری آسیب دیده بود و سنن کهن و بومی متأثر از سیاست‌های غلط از میان رفته بود. در طی ادوار گذشته رسوم جدیدی میان مردم رواج یافته بودند و لباس‌های محلی رونق نداشتند و همین امر متولیان فرهنگی کشور را به تکاپو برای برنامه‌ریزی وا داشت.

در پی صنعتی شدن رومانی، کارخانه‌های بزرگ یکی پس از دیگری در تمام شهرها ساخته شدند و مهاجران در این کارخانه‌ها مشغول به کار شدند. دولت در شهرها خانه‌های زیادی برای مهاجران ساخت و رایگان در اختیار آنان گذاشت. به دنبال گسترش شهرنشینی جاده‌های زیادی احداث شدند و صنایع مدرن به کشور راه یافتند. با این وصف رومانی که روزگاری اکثر مردمش کشاورز بودند، به یک کشور صنعتی

۱. در آگوست ۱۹۶۴م آخرین گروه ۱۰ هزار نفری زندانیهای سیاسی آزاد شدند (نک: Scurtu, P.145)

۲. *ibid.*, P. 146.

۳. *ibid.*, P. 150.

تبدیل شد.^۱ محصولات ساخت رومانی، به ویژه ماشین‌آلات کشاورزی، به دیگر کشورها صادر می‌شد. با اینکه کشور برخوردار از رفاه و بهبودی بود، اما دولت هزینه‌های سنگین این پروژه‌های بزرگ را با اخذ وام از سازمان‌های بین‌المللی و از کشورهای غربی تامین می‌کرد و بدین ترتیب بدهی‌های دولت افزایش زیادی پیدا کرد (نک: ادامه مقاله).

در حوزه مسائل دینی و مذهبی نیز فضای کشور در این دوره بازتر شد. کلیساها و مساجد جدیدی در رومانی ساخته شدند و شمار دانشجویان در مدارس مذهبی افزایش یافت. اگرچه به ظاهر دولت کمونیست و لائیک کماکان باقی ماند، اما فشار از روی علما بطور محسوسی برداشته شد؛ این اقدام ناشی از آن بود که دولت بر این باور بود که مردم در فضای باز بهتر می‌توانند ناکارآمدی دین را درک کنند!^۲

روشن است که به دنبال فضای باز سیاسی در این دوره وضع مسلمانان رومانی هم بهتر شد. در دابروجا دولت برای ساختن مساجد مانعی ایجاد نمی‌کرد. در همین دوره در بخارست پایتخت رومانی مسجدی بزرگ با نمادهای اسلامی ساخته شد. مسلمانان قادر به گرفتن شغل در کارخانه‌ها بودند و امکان سکونت در خانه‌های نوساز دولتی را داشتند. در پیکره ارتش و ساختار اداری آن نیز مسلمانان مشغول به کار شدند و به مناصب بالادست یافتند. نمایندگان مسلمانان به مجلس راه پیدا کردند و در احقاق حقوق شهروندی خود با دیگر شهروندان رومانی تفاوتی نداشتند.

مطابق گزارش‌های موجود از آنجایی که درآمد علمای مسلمان بسیار پایین بود، خانواده‌ها فرزندان خود را برای روحانی شدن تشویق نمی‌کردند. بدین ترتیب فارغ‌التحصیلان حوزه علمیه مدجیدیه که تا سال ۱۹۴۸م سالانه حدود صد نفر بودند، رو به کاهش گذاشت و در سال ۱۹۶۷م این حوزه تنها چهار نفر فارغ‌التحصیل داشت^۳ و بدین ترتیب مدرسه دینی مدجیدیه بسته شد و تا پایان حکومت کمونیستی بازگشایی نشد. از آنجا که روند تربیت طلاب دینی رو به کاهش نهاد و مدرسه علمیه تعطیل شد امکان تدریس علما و استادان دینی در رومانی وجود نداشت. به تدریج مساجد که در دوره کمونیستی حدود هشتاد باب بودند با کمبود روحانی روبرو شدند. با گذشت زمان،

۱. در سال ۱۹۳۸م سهم بخش‌های کشاورزی و صنعت به ترتیب ۳۸٪ و ۳۱٪ در درآمد کشور رومانی بود اما در سال ۱۹۸۹م سهم بخش‌های کشاورزی و صنعت به ترتیب به ۱۵٪ و ۵۸٪ تغییر یافت(نک: Scurtu, P. 173).

2. *ibid.*, P. 149-151.

3. Ekrem, P. 147 – 154.

جامعه مسلمانان با کمبود روحانیون مواجه شد. این وضع تا پایان دولت کمونیستی ادامه داشت.

مسلمانان رومانی در حکومت چاوشسکو (۱۹۷۴-۱۹۸۹م)

این دوره از تاریخ رومانی تفاوت‌های زیادی با دوره‌های پیشین داشت. نیکولای چاوشسکو^۱، که از سال ۱۹۶۵م به سمت دبیر کل حزب کمونیست رومانی رسید، به تدریج توانست تمام قدرت سیاسی کشور را در دست گیرد. هرچند اقتدار یک رهبر حزبی در شاکله قدرت سیاسی کم سابقه نبود، اما تنها در این دوره است که یک خانواده توانست با تسلط بر حزب کمونیست و قدرت سیاسی کشور همه موقعیت‌های حزبی و سیاسی را یکجا به دست گیرد. بدین ترتیب دولت چاوشسکو و حزب کمونیست یکی شد. چاوشسکو پس از قدرت گرفتن در سال ۱۹۷۴م قانون اساسی را تغییر داد و پست جدیدی به نام رئیس جمهور در قوه مجریه رومانی بوجود آورد. او خود این سمت را عهده‌دار شد.^۲

تا سال ۱۹۸۰م کشور در مسیر پیشرفت قرار داشت و دیگر کشورهای کمونیست با حسرت به رومانی استقلال یافته آن روز نگاه می‌کردند. همکاری با شرکتهای غربی ادامه یافت و صنعت رومانی از تکنولوژی روز برخوردار شد. در رومانی هواپیماهای مسافربری و جنگی، خودروهای کوچک و بزرگ، واگن و لکوموتیو قطار، ماشین‌آلات سنگین کشاورزی گوناگون و تجهیزات نیروی دریایی، حمل و نقل و ماهی‌گیری تولید می‌شد. در سال ۱۹۷۵م در رومانی کامپیوتر ساخته شد و در سال ۱۹۷۹م مترو در بخارست راه‌اندازی شد. رومانی با همکاری کشور کانادا برای تولید برق یک نیروگاه اتمی ساخت. مردمی که صاحب شغل و خانه جدید و رایگان شده بودند^۳ از حکومت خشنود بودند. در سال ۱۹۸۹م رشد تولیدات صنعتی رومانی نسبت به سال ۱۹۳۸م، شصت و پنج درصد افزایش یافت.^۴ در این میان مسلمانان رومانی نیز وضع مطلوبی یافتند.

1. Nicolae Ceaușescu.

2. Scurtu, Ibid., P. 154.

۳. بین سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۵۱م دولت حدود چهار میلیون خانه ساخت و بطور رایگان در اختیار مردم قرار داد. با احتساب اینکه یک خانواده به طور متوسط چهار عضو دارد، به این نتیجه می‌رسیم که شانزده میلیون نفر (بیش از ۷۰٪ جمعیت کشور رومانی) صاحب خانه جدید شدند. (نک: Scurtu, P. 173.)

4. Scurtu, P. 172.

در سال ۱۹۸۱م چاوشسکو برای استقلال کامل از کشورهای غربی تصمیم گرفت که هر چه زودتر بدهی‌های کشور^۱ به دولت‌های دیگر را تسویه کند.^۲ برای رسیدن به این هدف سیاست اقتصادی کشور تغییر کرد.^۳ پرداخت بدهی‌های معوقه آن هم در فرصتی اندک، فشار زیادی بر مردم رومانی تحمیل کرد. بدون سرمایه‌گذاری جدید صنعت رومانی افت کرد و کیفیت کالاهای رومانیایی پایین آمد و بازارهای خارجی و تجارت بین‌المللی رومانی تحت تأثیر این سیاست از رونق افتاد.

از آنجایی که همه مواد غذایی صادر می‌شدند، بازار داخلی کشور با کمبود مواجه شد. از سال ۱۹۸۶م مواد اولیه غذایی سهمیه بندی شد.^۴ با قطع مکرر برق زندگی مردم مختل و موجب نارضایتی عمومی شد. دولت برای ایجاد نظم و آرامش دستگاه امنیتی را تقویت و فضای کشور را امنیتی کرد. در این دوره اعتراضات مردمی پراکنده‌ای صورت گرفت که دولت آنها را سرکوب کرد و بدینسان رژیم کمونیست چاوشسکو به حکومت خود ادامه داد.

به منظور نظارت امنیتی بیشتر، جو سیاسی بر نظام آموزشی غلبه کرد و به تدریج رژیم چاوشسکو به یک دیکتاتوری خشن تبدیل شد. خانه‌هایی که قبلاً رایگان در اختیار مردم قرار گرفتند در این دوره با پرداخت هزینه واگذار می‌شدند. فساد در نظام اداری گسترده شد. از آنجاکه درآمد در تعاونی‌های کشاورزی کم شده بود، کشاورزان زیادی به شهرها مهاجرت کردند و در کارخانه‌ها مشغول کار شدند. برای برداشت محصول دولت مجبور بود از ارتش، دانشجویان و دانش‌آموزان استفاده کند.^۵ در این دوره پدیده مهاجرت به خارج از کشور روند صعودی یافت و نخبگان بسیاری از رومانی کوچیدند. به دنبال این شرایط دولت به اقلیت‌های قومی نیز اجازه خروج از کشور را داد به شرط آنکه هزینه تحصیل در مدارس رومانی را پرداخت کنند.^۶

به دنبال فروپاشی رژیم‌های کمونیستی در اروپای شرقی در رومانی هم نارضایتی مردم از دولت گسترش پیدا کرد و یک حادثه کافی بود تا شعله‌های آتش انقلاب همه کشور را فرا گیرد. در انقلاب رومانی، که در دسامبر ۱۹۸۹م رخ داد، حدود هزار نفر جان خود را از

1. *ibid.*, P. 157.

۲. این مبلغ حدود ده میلیارد دلار برآورد شده بود.

3. *ibid.*, P. 157.

4. *ibid.*, P. 158.

5. *ibid.*, P. 172.

6. *ibid.*, P. 159.

دست دادند. اکثر آنها در حمله به پایگاه‌های نظامی کشته شدند. رژیم چاوشسکو فرسوده بود و از پایگاه مردمی برخوردار نبود. در طول یک هفته موج نارضایتی مردم توانست دولت او را ساقط کند.^۱ فساد طبقه سیاستمداران رومانی، تسلط دوباره گروه‌های مالی غرب و دشوار شدن زندگی مردم موجبات فروپاشی دولت کمونیستی و رژیم چاوشسکو را فراهم آورد.^۲ در این میان مسلمانان نیز زندگی نابسامانی داشتند.

سازمان مفتیان^۳ مرکز بزرگی بود که اداره عالی علمای مسلمان و تمام مسائل مذهبی جامعه مسلمان را بر عهده داشت. همچنین روابط بین جامعه مسلمانان با دولت مرکزی و دفاتر منطقه‌ای دولت را زیر نظر می‌گرفت. در یک عبارت می‌توان گفت مفتیان مرکز معتبری بود که پیگیر و پشتیبان منافع مسلمانان بود و همچنین جدای از دولت مرکزی رومانی، روابط صمیمانه‌ای با دولت‌های دیگر به ویژه ترکیه داشت. یکی از ویژگی‌های بارز مفتیان ارتباط تنگاتنگ و فرهنگی بود که آنان با رهبران مذهبی سایر کشورهای اسلامی داشتند. مفتی‌های مسلمانان رومانی در دوره کمونیستی عبارت بودند از: ابراهیم سادیک^۴؛ رشید سید ولی^۵؛ میتات ریفات^۶؛ محمت یاکوب^۷. تمامی این مفتیان فارغ‌التحصیلان حوزه علمیه مدجیدیه بودند.

در دوره حاکمیت کمونیست‌ها برگزاری آداب و فرایض دینی با سختی و ناملایمات همراه بود. از آنجاکه اکثریت شهروندان رومانیایی مسیحی همواره روز یکشنبه روز تعطیل هفته بود، برگزاری نماز جمعه برای مسلمانان دشوار بود. سفر مسلمانان به مکه و مدینه و برگزاری مراسم حج سخت بود. بنا به گزارش‌های شفاهی در دوره چهل و پنج ساله دولت کمونیستی، شمار اندکی از مسلمانان رومانی موفق به انجام فریضه حج شدند.^۸ سالانه در حدود ده نفر به حج مشرف می‌شدند و هزینه‌های سفر آنان از طریق

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در ارتباط با دوره کمونیستی در رومانی، انقلاب سال ۱۹۸۹م و سکوت

رژیم کمونیستی نک: Dennis Deletant, *Romania under communist rule*, 1999

۲. مصاحبه آقای فلورین کانستنتینیو، عضو فرهنگستان علوم رومانی. نک:

<http://cugiralba.wordpress.com/2011/02/04/interviu-cu-acad-florin-constantiniu-realizat-de-ion-longin-popescu-la-04-01-2011>

۳. جمع کلمه مفتی؛ مفتی رئیس جامعه مسلمانان و مهمترین متولی امور دینی در یک منطقه بود.

۴. Ibrahim Sadic

۵. Reş it Seit Veli

۶. Mitat Rifat

۷. Mehmet Iakub

۸. مصاحبه نگارنده با آقای غفار اکرم، استاد تاریخ در شهر مدجیدیه، ۸ جولای ۲۰۱۱، مدجیدیه.

سفارت خانه‌های کشورهای اسلامی به خصوص عربستان، پرداخت می‌شد.^۱ شمار افرادی که به حج عمره می‌رفتند از حج تمتع کمتر بود.^۲ دولت امکانات مناسبی برای خواندن نماز جماعت در اختیار مسلمانان نمی‌گذاشت. ساعات کاری اجازه برپاداشتن نماز در ساعات مقرر راه مسلمانان نمی‌داد. این دشواری‌ها در ماه رمضان و برای روزه گرفتن بیشتر بود. از طرف دیگر خود مسلمانان نیز برای پرهیز از درگیری با دولت مرکزی کمتر به آیین‌های مذهبی جمعی خود می‌پرداختند. طبق گزارش‌های موجود مسلمانان رومانی در برابر بی توجهی دولت کمونیست نسبت به خود هیچگاه به اعتراض عمومی نپرداختند. بی‌شک این عدم مبارزه علنی به دلیل مشکلات و سخت‌گیری‌هایی بود که دولت کمونیست برای همه جماعت‌های دینی در رومانی ایجاد کرده بود، از این‌رو مسلمانان نیز عبادت‌های جمعی خود را در مراکز خصوصی برپا می‌کردند. برخی از مسلمانان برای اشتغال در مناصب دولتی عضو حزب کمونیست شده بودند و در عین حال در عید قربان و عید فطر به مسجد می‌رفتند.^۳ گویا دید منفی به این گروه از مسلمانان وجود نداشت و ایشان به عنوان افراد موفق نگریده می‌شدند. در این دوره مسلمانان توانستند مناصبی از جمله شهرداری، ریاست تعاونی کشاورزی و نمایندگی مجلس ملی را نیز بدست آورند.

در مرام نام‌حزب کمونیست زنان، نقش مادر و نقش کارگری را توأم بر عهده داشتند و می‌توانستند دوش به دوش مردان برای پیشرفت وطن و حزب کمونیست کار کنند.^۴ مادران پس از زایمان با اخذ دو سال مرخصی و دریافت حقوق کامل، نوزدان خود را سرپرستی می‌کردند و پس از آن کودکان را به مهدکودک‌های دولتی می‌سپردند و به محل کار خود بازمی‌گشتند. حکومت از افزایش جمعیت به انحاء گوناگون حمایت می‌کرد و آموزش از مهدکودک تا دانشگاه رایگان بود. خانواده‌های پر جمعیت مسلمان نیز از کمک‌های دولت برخوردار بودند و رفاه معیشتی داشتند اما از نظر فرهنگی و اعتقادی تضعیف شدند، از این‌رو مسلمانان همراه با مردم رومانی از مبارزه با حکومت

۱. آن زمان جمعیت مسلمان رومانی حدود ۵۰ هزار نفر بود. در حالی که، امروزه در رومانی حدود ۷۵ هزار نفر مسلمان وجود دارد و در کشور، آزادی دینی کاملاً وجود دارد. در سالهای اخیر در حدود ۷۵ نفر از مسلمانان رومانی به حج تمتع و حدود ۴۵ نفر نیز به عمره مفرده مشرف می‌شوند.

۲. مصاحبه نگارنده با آقای غفار اکرم، استاد تاریخ در شهر مدجیدیه، ۸ جولای ۲۰۱۱، مدجیدیه.

۳. مصاحبه نگارنده با آقای سیدعلی، تاتار مسلمان از شهر کابدین (Cobadin)، ۱۹ جولای ۲۰۱۱، کابدین.

4. Scurtu, P. 151.

دیکتاتوری چاوشسکو استقبال کردند.

نتیجه

در دوره حاکمیت کمونیست‌ها در رومانی اقلیت مسلمان در تنگنا قرار داشتند. هرچند مسیحیان نیز از این شرایط رنج می‌بردند. در این دوره متأثر از سیاست فرهنگی کمونیستی آموزش‌های مذهبی از کانون‌های عمومی چون مساجد و مدارس به اماکن خصوصی و کانون‌های خانوادگی انتقال یافت. به دلیل عدم حمایت از مراکز علمی - دینی آموزش‌های رسمی مذهبی تعطیل شد و مسلمانان ناگزیر شدند آموزش فرزندان خود را شخصاً بر عهده گیرند. چنانکه از مصاحبه‌های به عمل آمده جمله «خودمان معلم اسلامی فرزندانمان بودیم» بسیار تکرار شده است. طبق مطالعات صورت گرفته بی‌توجهی دولت به علما و مشکلات مالی این آنان به رغم انزوای سیاسی آنان، زمینه‌های فزونی احترام آنان در میان مردم را فراهم آورد. در واقع هر چه دولت فشار بیشتری برای تغییر هویت مسلمانان و محو آیین‌های مذهبی اعمال می‌کرد به نظر می‌رسد پا فشاری برای حفظ هویت اسلامی از سوی مسلمانان در مراکز خصوصی بیشتر می‌شد. سیاست ضد دینی دولت اگر چه به تغییرات ظاهری مسلمانان انجامید، اما هرگز به تغییر هویت دینی آنان منتهی نشد، زیرا مسلمانان با آموزش‌های شخصی و درون گروهی کماکان هویت مذهبی خود را حفظ کردند. در این دوره اسلام بیشتر در قلوب مسلمانان نفوذ یافت و مسلمانان به رغم فشارهای دولت با هم متحدتر و صمیمی‌تر شدند. بنابراین به با اطمینان می‌توان گفت که سیاست‌های دولت کمونیستی در رومانی در قبال مسلمانان با شکست مواجه شد.

منابع

۱. چرناتسکو، میهای، «اقلیت مسلمان رومانی (از استقلال تا امروز)»، تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۴، شماره ۷ (بهار و تابستان ۱۳۸۷).
2. Constantiniu, Florin, *Historie sinceră a poporului român*, București, Univers Enciclopedic, 1997.
3. Deletant, Dennis, *Romania under communist rule*, Iași – România, Portland – Oregon, 1999.
4. Ekrem, Mehmet Ali, *Din istoria turcilor dobrogeni*, București, Ed. Kriterion, 1994.

5. Luxmoore, Jonathan and Babiuch, Jolanta, *The Vatican & The Red Flag; The Struggle for the Soul of Eastern Europe*, London, Ed. Geoffrey Chapman, 2000..
7. Neagoe, Elisabeta și Pleșa, Liviu, "Culte neoprotestante din România, în perioada 1975-1989", în revista *Dosarele Istoriei*, Nr. 9-85, București, Pro Historia, 2003.
8. Scurtu, Ioan, *Istoria contemporană a României (1918-2007)*, București, Fundației România de Măine, 2007.

مصاحبه‌ها

۱. مصاحبه با آقای علی زربخش، دانشجوی پزشکی ایرانی در رومانی در دوره کمونیستی، مورخ جولای ماه ۲۰۱۱، شهر پیتشتی (Pitești) در رومانی.
۲. مصاحبه با آقای غفار اکرم (Gafar Ekrem)، استاد تاریخ در شهر مدجیدیه، مورخ ۸ جولای ۲۰۱۱، مدجیدیه.
۳. مصاحبه با آقای سیدعلی (Seidali)، تاتار مسلمان از شهر کابدین (Cobadin)، مورخ ۱۹ جولای ۲۰۱۱، کابدین.
۴. مصاحبه با آقای فلورین کانستنتینیو (Florin Constantiniu)، عضو فرهنگستان علوم رومانی، منبع:
<http://cugiralba.wordpress.com/2011/02/04/interviu-cu-acad-florin-constantiniu-realizat-de-ion-longin-popescu-la-04-01-2011>.